**مطلب پنجاه و هفتم \_ صیحه لوح سلطان ایران**

قوله تعالی : " ان یا قلم اذکر اذا رسلنا لوحنا الذی سمی بالصیحة الی رئیس البریة و ارسله الی الذین اشتهروا بالعلم فلما قرئوا تحیروا و تکلموا باهوائهم ان ربک هو العلیم المحیط منهم من قال انه اراد السلطنة قل ویل لک یا ایها الغافل البعید انا امرنا الملوک ان یدعوها ورائهم مقبلین الی الله العزیز الجمیل انا نصدق ظهور العقل بین الملل اذ نری السلطنة المطلقة مطروحة علی التراب و لن یتقرب الیها احد کذلک قضی الامر فی لوح مبین قل انها من احقر المقام عندی و لو انک تراه من اعلی المقام ان افتح بصرک لتعرف من یحکم قلمه علی من فی السموات و الارضین . "

و نیز میفرمایند :

" این ایام بعد از ورود سجن اعظم اراده الهیه بآن تعلق یافته که جمیع بریه را بشاطی احدیه مجددا باعلی النداء ندا فرماید لهذا مخصوص هر نفسی از رؤسای ارض لوحی مخصوص از سماء مشیت نازل و هر کدام باسمی موسوم الاولی بالصیحة و الثانی بالقارعة و الثالث بالحاقه و الرابع بالساهره و الخامس بالطامة و کذلک بالصاخة و الازفة و الفزع الاکبر و الصور و الناقور و امثالها تا جمیع اهل الض(؟) یقین نمایند و ببصر ظاهر و باطن مشاهده کنند که مالک اسماء در هر حال غالب بر کل بوده و خواهد بود . بلایا و محن سلطان سر و علن را از اظهار امر منع ننموده و نخواهد نمود "